

متفاوت تر

گاهی باید "نگردی"

گاهی باید "نخوای"

گاهی باید "نپرسی"

گاهی باید "نشنوی"

گاهی باید "نخونی"

گاهی باید "ندونی"

گاهی باید "ندووی"

گاهی باید به خودت "گیر ندی"

گاهی باید خودت رو "سرزنش" نکنی

گاهی باید حتی خودت رو "جدی" هم نگیری

گاهی باید نترسی چی میشه!

هیچی نمیشه، هیچی نمیشه، هیچی نمیشه...

گاهی، هنگامه ای، فقط بایستی "بشینی" کنار یک "مرد خدا" آروم آروم، به چیزی

فکر نکنی، غرق او بشی، خواهی دید و خواهی چشید اون "هنگامه ی" خاص که

با درونت چه خواهد کرد...

از ملای رومی پرسیدن "شمس" با تو چه کرد؟

گفت؛ من شمع خاموشی بودم، او شمع روشن، آمد مرا بوسید و رفت...

(یکبار دیگه متن بالا رو "آروم و شمرده شمرده" بخون، همیشه متن ها رو آروم و

بدون عجله بخون، اصیل ها کند خوان هستن، نه تند خوان)